بسم‌الله الرحمن الرحیم

[مقام سوم 2](#_Toc431587527)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc431587528)

[اقوال در قصد قربت 2](#_Toc431587529)

[قول اول 2](#_Toc431587530)

[قول دوم 2](#_Toc431587531)

[اقسام قصد لعب 2](#_Toc431587532)

[اتخاذ مبنا 3](#_Toc431587533)

[پاسخ سوم 3](#_Toc431587534)

[پاسخ چهارم 3](#_Toc431587535)

[مناقشه در استدلال فوق 3](#_Toc431587536)

[استدراک از مناقشه فوق 4](#_Toc431587537)

# مقام سوم

# مرور بحث گذشته

در جلسه گذشته در مقام سوم دلیل لعبیت موردبررسی قرار گرفت، برای این استدلال سه تقریر صورت گرفت؛ به نحو مطلق، لعب به امر مولی و وجود قصد لعب. دو تقریب اول بر واقع لعب عنایت داشته و مورد سوم به حالت درونی مکلف می‌پرداخت. از سه تقریب پاسخ‌هایی داده شد.

در آخرین بحث گفته شد که قصد لعب دارای اقسامی است، اگر به نحو مستقل باشد، مضر خواهد بود چراکه قصد غیر قربی در تحقق این عمل دخالت دارد. اما در مواردی که هریک اگر موجود باشد هرکدام صورت می‌گرفت یا صورت دیگری که در جلسه دیگر گفته شد، مانع نخواهد بود.

## اقوال در قصد قربت

## قول اول

در قبال قصد قربت دو نظریه وجود دارد؛ نظریه اول قائل است که صرف قصد ریاء مضر است.

## قول دوم

اما نظریه دوم این است که قصد قربتی شرط است که عمل مستند به آن باشد به حیثی که اگر نبود، عمل را برای خداوند انجام می‌داد. برخلاف قول اول در این قول، موارد بیشتری باقی می‌ماند که مضر نخواهند بود.

## اقسام قصد لعب

نکته دومی که در کلام آقای حائری ذکرشده است، این بوده که؛

قصد لعب گاهی به نحو مطلق است و گاهی به‌خصوص این احتیاط تعلق می‌گیرد. این دو مورد دو حکم متفاوت دارد و حالت دوم مضر خواهد بود.

## اتخاذ مبنا

این وجه چندان تامیت ندارد، چراکه مورد دوم خود به دو قسم تقسیم می‌شود؛ گاهی به کار خاصی مشغول می‌شود ولی به آن عنایتی نداشته و تنها به دنبال سرگرمی بوده است، برخلاف موردی که عنایتش به آن تعلق‌گرفته است.

## پاسخ سوم

غالباً قصد لعبی در مقام تکرار وجود ندارد. بلکه در غالب موارد به سبب تدین و دقت در اتیان مأمور به مولاست. لذا دلیل بیان‌شده به نحو زیادی از مدعی اخص خواهد بود. اصل وجود قصد لعب در این مورد امری بسیار نادر است. این وجوهی است که در برخی کلمات ذکرشده است.

## پاسخ چهارم

پاسخ چهارمی مطرح‌شده است که می‌تواند به همه سه تقریر تسری پیدا کند، حتی ممکن است به دو تقریر اول بیشتر راجع باشد، طبق آنچه آقای خویی بیان کرده‌اند بدین‌صورت است که؛

لعب و امتثال دارای دو متعلق متفاوت هستند. لعب در اینجا متعلق به مجموع و تکرار است، اما ما به الامتثال در مقام احتیاط، یکی از اطراف است که امر و غرض مولا به آن محقق می‌شود. لذا احتیاط به‌عنوان تکرار طریقی بوده و به‌صورت نفسی اهمیت ندارد.

## مناقشه در استدلال فوق

مناقشه‌ای که در کلام ایشان وجود دارد، این است که مجموع وقتی لعب شد، مانعی ندارد که خود عمل به‌تنهایی لعب باشد، وقتی مجموع به کلیت آن لعب شد، تک‌تک آن موارد نیز جزئی از لعب خواهند بود، بنابراین نهی در اینجا به نحو ضمنی وجود دارد.

## استدراک از مناقشه فوق

اما درعین‌حال این مناقشه همیشه تمامیت ندارد، چراکه در موارد اولیه اگر قصد لعب به مجموع نداشته باشد، در ادامه عمل این حالت لعب محقق می‌گردد. بنابراین اگر تقریر سوم مراد باشد، این اشکال وارد خواهد بود.